

به نام

السلام و زندگی

نویسنده : محمود ولی زاده

این کتاب با استفاده از کافه سیرابی به چاپ رسیده است.

سرشناسه	:	ولی زاده، محمود، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور	:	انسان و زندگی / نویسنده محمود ولی زاده.
مشخصات نشر	:	گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۹۲ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	:	978-622-02-0609-5
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	راه و رسم زندگی
موضوع	:	Conduct of life
موضوع	:	راه و رسم زندگی (اسلام)
موضوع	:	Conduct of life -- *Religious aspects -- Islam
موضوع	:	عقلا، عملی
موضوع	:	Practical reason
رده بندی کنگره	:	BJ۱۷۰۲
رده بندی دیویی	:	۱۷۰/۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۸۱۷۰۰۱

انسان و زندگی

تالیف: محمود ولی زاده

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۸

صفحه آرا و طراح جلد: بهاره عزت تبار

مشخصات ظاهری: ۹۲ ص

قطع: رقعی

شمارگان: ۱۰۰

شماره شابک: ۵-۰۶۰۹-۰۲-۶۲۲-۹۷۸

چاپ و نشر: نوروزی-۰۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای نویسنده محفوظ می باشد.



نشانی: گلستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، بازار رفسا(ع)، ۰۱۷-۳۲۲۴۲۲۵۸
دورنگار: ۰۱۷-۳۲۲۲۰۰۴۷ آدرس الکترونیکی: Entesharate.noruzi@gmail
سایت انتشارات: www.Entesharate-noruzi.com

پیش سخن :

انسان وجودی اجتماعی است و در پیرامون خود ، جهانی دیگر را مستقر میکند . ما در دنیایی زندگی میکنیم که انسانها ، دارا ، روابط بسیار پیچیده ای هستند . بی شک ما در درون خود ، جهانی متفاوت تر از جهان بیرون خود داریم . دنیای درون ما ، روح و جسدی است که ما را به دنیای بیرون خویش وصل میکند و اگر ما دنیای درون خود را نشناسیم شناخت جهان بیرون ما نیز ما را ناممکن نخواهد بود . تفکرات ما ، ناشی از نگاهی است که به جهان درون و بیرون خود داریم . هر چه قوه تخیل و تعقل ما ، فعال باشد اراده ما برای خلق دنیایی جدید آشکارتر خواهد شد . ما در دنیایی پر از غوغا زندگی میکنیم . در چنین دنیایی ، ذهن ما پویاتر و فعالتر عمل میکند زیرا که جهان بینی ما در هر لحظه ای در حال تغییر و تحول است . ما به دنیا آمده ایم تا جهان بینی خود را کامل کنیم و سعادت و تکامل را طی نماییم تا در

نهایت به خدای این جهان برسیم . سیر تکاملی انسان در این جهان ، از ابتدای خلقت آدمی تا کنون ، اتفاق افتاده است و ما همچنان بعنوان انسانی متفکر، که در این جهان زندگی میکنیم باید به این طی طریق خود ادامه دهیم تا به سر منزل مقصود ، که همانا شناخت خویشتن ، و معرفت خدای متعال است برسیم . قطعاً شناخت خدا ، بدون شناخت جهان درون خود ، به سر نخواهد شد و ما میبایستی ، ابتدا معرفت را از خودمان شروع کنیم و بعد به معرفت و شناخت خالق خود ، دست پیدا نماییم . ما باید احساسات و تمایلات و همچنین تخیلات و تفکرات درونی خود را ، مورد بررسی قرار دهیم و از آنها بعنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف حقیقی خود ، که تحت کنترل عقل سلیم ماست استفاده نماییم و در شناخت جهان پیرامون خود ، از آنها بهره بگیریم . به تردید بدون یک احساس سالم و یک تفکر منطقی و تخیل برآمده از درون ، نمیتوان به اهدافی که در نظر ماست ، دست پیدا نمود . ما بایستی به منزله یک انسان ناطق و سخنور، که رتبه از موجودات دیگر هستیم جهان را با نگاه عاقلانه خویش ، مورد ارزیابی قرار دهیم و به خود بیندیشیم که چرا در این جهان ، چشم گشوده ایم و به دنبال چه هستیم و اصلاً برای چه به این دنیا آمده ایم . هر سوالی که میکنیم باید جوابی منطقی ،

برای آن داشته باشیم . چون انسان تنها موجودی است که دارای عقل میباشد و میباید با مسائل و مشکلات خود ، با عقل و منطق برخورد نماید و در غیر اینصورت ، اگر تابع عقل و منطق خود نباشد قادر نخواهد بود ، در این دنیای وانفسا ، روی آرامش را ببیند . ما در زندگی ، از ابتدای تولد تا زمان مرگ ، در حال جنگیدن با مشکلات هستیم و کسی موفق و پیروز مسرود که بتواند دنیای خود و دیگران را بشناسد . هر چه به پیش میرویم مشکلات ما ، بفرنج تر میشود و این نیازمند آن است که در هر شرایطی بتوانیم ، خود را با محیطی که در آن زندگی میکنیم وفق داده و خود را در میان ناملایمات زندگی نباریم به آینده ، امید داشته باشیم . آینده از آن کسانی است که در مقابل مرارتها و سختیهای زندگی از خود استقامت و ایستادگی نشان میدهند و هیچ وقت با مصایب و مشکلات ، احساسی برخورد نمیکنند و با نگاهی عاقلانه و درایتی بی نظیر ، به حل و فصل مشکلات خود میپردازند . ما زمانی که فکر میکنیم ، باید به عمل خود نیز همزمان بیندیشیم چون فکروقتی موثر خواهد بود ، که تبدیل به یک عمل موفق گردد والا سخن راندن و فکر بدون عمل ارزشی برای جهان ما ندارد . چنان که سعدی شیرازی میگوید : « سعدیا گر چه سخندان و مصالح گویی - به عمل

کار برآید به سخندانی نیست». انسان با همه تواناییهایش، اگر نتواند درست فکر کند و درست عمل نماید، بی شک راه تکامل را نمیتواند بییماید. پس ما برای تکامل اندیشه ها و تفکرات خود، باید بر پایه عقل و منطق عمل نماییم. چون اگر به نیر از این باشد موفقیت نصیب ما نخواهد گردید. حسی که ما در آن زندگی میکنیم نیز، بر پایه نظم و اراده خداوند بنا شده است که به فرمان او به دنیا آمده ایم و همچنین آغاز و انجام این جهان به دستور او اتفاق می افتد و نظمی که ما از آن سخن میگوییم، باید بر اساس نظم حاکم بر جهان هستی باشد و اگر ما از نظمی که خداوند بنا نهاده است عدول کنیم به تکامل که مد نظر ماست، نخواهیم رسید. نظمی که خداوند به ما داده است، عقل و احساس و روح و روانی است که در وجود ما نهادینه شده است و چنانچه ما در مقابل اینهمه نعماتی که، خدا به ما داده تصور کنیم به ورطه سقوط خواهیم رفت. فلسفه الهی و اسلامی به ما می آموزاند که خود را، در کنار خدای خود احساس کنیم و برای شناخت خدا از هیچ تلاشی، دریغ نورزیم. ما در دنیای کنونی باید راه خدا را در پیش بگیریم والا روی آرامش را، نخواهیم دید. آنچه که در پیرامون جهان ما، وقوع ناخوشایندی دارد بخاطر آنست که خدا را فراموش کرده ایم

وراه خودمان را ، درست انتخاب نکرده ایم. تنها راه نجات انسان از این ورطه سقوط ، روی آوردن به سوی خدای جهان است که میتواند سعادت و خوشبختی حقیقی را ، برای انسان امروزی به ارمغان آورد. مدیریت جهان امروزی میطلبد که راه واقعی خود را ، که همان راه معرفت خداوند است انتخاب کند و از ترور و تکبر و خود خواهی ، دست بردارد و بشریت را بسوی آسمان دعوت کند . ما راه درست را انتخاب نکرده ایم و به بیراهه رفته ایم . تنها نجات بشر امروزی ، از انحطاطی که گرفتار آن شده است فقط میتواند ، ایمان به خدای بزرگ باشد ، که جهان را نیز تغییر می دهد و میتواند ما را ، به سعادت و رستگاری واقعی برساند

حمود ولی زاده

بجنورد مردادماه یکهزار و سیصد و نود و هشت